نگاه

رفتار امپریالیستی ترکیه در خاورمیانه

● برای فهم رفتار سیاسی ترکیه در خاورمیانه، ابتدا باید جایگاه متزلزل آن در سرمایه‌داری جهانی را دریافت. توسعه ناموزون اقتصادی در سرمایه جهانی، نوعی نظام سلسله‌مراتبی میان کشورها ایجاد کرده است. در این نظم سلسله‌مراتبی، کشوری حاشیه‌ای و پیرامونی نظیر ترکیه، می‌تواند رفتاری مداخله‌گر یا درواقع خرده- امپریالیستی در قبال دیگر کشورهای پیرامونی خاورمیانه داشته باشد.مشخصه نظام سرمایه‌داری جهانی ایجاد سلسله‌مراتب میان کشورهاست که این هم از توسعه نامتوازن اقتصادی ناشی می‌شود و هم آن را بازتولید می‌کنند. ترکیه مدت مدیدی به‌لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته به قدرت بزرگ غربی بوده و در حاشیه سرمایه‌داری جهانی قرار داشته است و البته این کشور در چند دهه گذشته، سیاست خارجی و البته اقتصادی «تحریک‌کننده»ای در خاورمیانه در پیش گرفته است؛ سیاستی که می‌توان آن را خُرده-امپریالیستی نامید. خود این امر بعضا باعث ایجاد تنش میان ترکیه و کشورهای غربی شده است. با وجود اینکه تقریبا یک قرن از امپراتوری عثمانی گذشته و نظام سابق در کتاب‌های تاریخی به خاک سپرده شده، هنوز بسیاری سیاست خارجی مداخله‌گر ترکیه را به نگرش پان‌اسلامیستی و نئوعثمانی آن نسبت می‌دهند. در واقعیت اما، بنای حکومت آک‌پارتی، اساسا یک دولت سرمایه‌داری پیرامونی است.کشورهای پیرامونی با وابستگی به کشورهای امپریالیستی، انباشت محلی سرمایه را تضمین می‌کنند. کشورهای پیرامونی از این طریق فرصت پیدا می‌کنند که در مقیاسی منطقه‌ای، با سلطه بر دیگر کشورهای پیرامونی دیگر و تابع ساختن آنان، ارزش اضافی بیشتری را به چنگ بیاورند. هرچند، این کسب مازاد محقق نمی‌شود مگر با پیروی و تبعیت از کشورهای امپریالیستی. برای حفظ و تثبیت این ساختار اقتصادی سلسله‌مراتبی، کشور پیرامونی مثل ترکیه تلاش می‌کند به لحاظ سیاسی و نظامی بر منطقه مسلط شود و البته بدین‌ترتیب، نوعی خودمختاری نسبی را در مقابل کشورهای بزرگ امپریالیستی حفظ خواهد کرد. ترکیه یک کشور پیرامونی است که انباشت سرمایه‌اش وابسته به واردات کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای واسطه و تکنولوژی است، به‌ویژه واردات از اتحادیه اروپا و آمریکا. تعهد اقتصادی، سیاسی و نظامی ترکیه به غرب نیز باعث افزایش وابستگی این کشور به کشورهای غربی شده است. منظور تعهدات این کشور به صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و ناتو است و همچنین تعهدات و الزامات این کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا.درترکیه به دنبال پیشبرد روابط اقتصادی، روابط سیاسی نیز ساختار جدیدی پیدا کرد: وفاق و سازگاری با کشورهای منطقه و تنش با کشورهای غربی. در سوریه، ترکیه حزب اخوان‌المسلمین را به ائتلاف با آمریکا بر رژیم بعث (که از دهه ۷۰ پا گرفته بود) تشویق کرد. به دنبال بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، ترکیه با آمریکا و کشورهای خلیج‌فارس متحد و خواستار برکناری رئیس‌جمهور بشار اسد شد. از سوی دیگر نیز، برای تأمین سلاح، درمان پزشکی و سرپناه برای شورشیان مسلح، دست‌به‌دست عربستان داد. آک‌پارتی در تحریک روسیه بعضا بیش از حد پیش رفت. بهترین مثال، سرنگونی هواپیمای جت روسی است؛ مذاکره‌ای که متعاقبا میان روسیه و آمریکا در گرفت، ترکیه را در موقعیت سختی قرار داد. با وجود این، گفت‌وگوی اخیر ترکیه با آمریکا در مورد نقش این کشور در آینده سوریه پس از عقب‌نشینی نظامی آمریکا، این پیام را مخابره کرده که این کشور به‌عنوان یک عضو ناتو، آماده است که مانند شرکت پیمانکاری، نماینده و مجری منطقه‌ای امپریالیسم آمریکا باشد. این همه ماجرا نیست؛ تناقضات روابط سیاسی و اقتصادی آنکارا در خاورمیانه، تناقضات روابط نظامی این کشور را هم با کشورهای خاورمیانه و هم با کشورهای غربی شدت بخشیده است. روابط ترکیه با کشورهای خلیج‌فارس در این مورد کاملا گویاست. از یک طرف، حزب عدالت و توسعه در زمینه صنایع نظامی، آموزش نظامی و همکاری امنیتی با عربستان و امارات در دادوستد است و از طرف دیگر، با قطر علیه عربستان و امارات هم‌پیمان شده است. اگرچه این کشور به‌طور مستقیم، نه با آمریکا وارد تنش شد و نه با عربستان و امارات متحده عربی، اما هم‌زمان سعی کرد روابط نظامی‌اش را با سومالی و سودان و البته قطر تقویت کند و بدین‌ترتیب، با خرید زمان، بتواند نقشی مهم در دریای سرخ و خلیج عدن بازی کند.از سوی دیگر، سیاست خارجی حزب رجب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه در خاورمیانه بر مبنای گسترش و افزایش منافع اقتصادی کارخانه‌ها و شرکت‌های ترکیه و در عین حال، سلطه نظامی و سیاسی در منطقه تنظیم شده است. اقدامات ترکیه در این زمینه، آتش رقابت اقتصادی و ژئوپلیتیک میان این کشور با کشورهای خاورمیانه و کشورهای غربی را شعله‌ور کرده است. با توجه به اضطرار و فوریت احتمال وقوع یک بحران اقتصادی عظیم، اما مشخص نیست تا کجا خواهد توانست این وضع عجیب و غریب را ادامه دهد. بحران اقتصادی به شکل ملموس و گسترده‌ای بر تجارت خارجی ترکیه و هزینه‌های دولتی امور نظامی و سیاسی اثر خواهد گذاشت. این امر به‌نوبه خود باعث افزایش وابستگی ترکیه خواهد شد، چراکه سناریوی استقراض از صندوق بین‌المللی پول پیشاپیش مطرح است.

منبع:Open Democracy

بوریس جانسون امروز در میان رهبران ۷ کشور صنعتی جهان حاضر می‌شود

پایان انزوای ترامپ

رهبران هفت کشور صنعتی جهان که از امروز اجلاس سه‌روزه خود را در فرانسه آغاز می‌کنند، پذیرای چهره‌ای تازه هستند: بوریس جانسون در جایگاه نخست‌وزیر جدید بریتانیا که حدود یک ماه قبل جانشین ترزا می شد. در نگاه نخست، ورود جانسون به جمع رهبران قدرت‌های برتر صنعتی جهان را می‌توان به سود دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا و به ضرر دیگر رهبران حاضر در این نشست دانست. ترامپ که نشست سال گذشته گروه هفت (G7) در کانادا را به‌طور غیرمنتظره‌ای نیمه‌کاره رها کرد و به ایالات متحده بازگشت، این‌بار امید دارد که در این نشست، در انزوا قرار نگیرد و جانسون با سیاست‌ها و مواضعش همراهی کند.

بر همین اساس به نظر می‌رسد این چهره تازه‌وارد، بر پیچیدگی‌ها و اختلاف‌نظرهای رهبران جهان بیفزاید. انتظار می‌رود موضوعاتی مانند تجارت میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده، ایران و گرمایش جهانی از مهم‌ترین مسائل مورد مذاکره در جلسات رهبران جهان در «بیاریتز» واقع در جنوب غربی فرانسه باشد. اما در این میان، نمی‌توان بحران برگزیت را از نظر دور داشت. بوریس جانسون از هواداران سرسخت خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا محسوب می‌شود و در این مسیر همراهی دونالد ترامپ را نیز دارد.

نخست‌وزیر بریتانیا قبل از سفر به فرانسه، در برلین با آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، دیدار کرد و روز پنجشنبه نیز مذاکراتی دوجانبه با امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در کاخ الیزه داشت. مکرون پس از این مذاکرات با اشاره به فشارهای ایالات متحده به بریتانیا برای امضای توافق همکاری پس از خروج این کشور از اتحادیه اروپا در ۳۱ اکتبر، هشدار داد که اگر لندن بدون دستیابی به توافق از اتحادیه اروپا خارج شود، این احتمال وجود دارد که پس از آن تاریخ، بریتانیا به کشوری گوش‌به‌فرمان ایالات متحده و رقیب اتحادیه اروپا تبدیل شود. مکرون و مرکل امیدوارند تا در نشست بیاریتز مانع از چرخش همه‌جانبه بریتانیا به سوی ایالات متحده شوند.

نشست امسال رهبران گروه هفت مانند نشست‌های سال‌های اخیر با حضور رهبران تعدادی از کشورهای غیرعضو برگزار می‌شود. ایالات متحده، فرانسه، بریتانیا، آلمان، ایتالیا، کانادا و ژاپن که اعضای ثابت این گروه هستند و در کنار آنها، مکرون از رهبران استرالیا، بورکینافاسو، شیلی، مصر، هند، سنگال، رواندا و آفریقای جنوبی نیز دعوت کرده تا با حضور در این نشست در مباحث مربوط به بی‌عدالتی و نابرابری در جهان امروز مشارکت کنند.

دست‌های بسته جانسون

نگرانی مکرون به عنوان میزبان چهل‌وپنجمین نشست رهبران گروه هفت فقط به بوریس جانسون و مواضع حمایت‌آمیزش از برگزیت محدود نمی‌شود. همچنان دونالد ترامپ و مواضع و رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی‌اش بزرگ‌ترین دغدغه حاضران در نشست گروه هفت به‌شمار می‌آید و این نگرانی با حضور بوریس جانسون که در بسیاری از مواضع و رفتارها با رئیس‌جمهور ایالات متحده همراهی می‌کند، دوچندان شده است.

با این حال، جانسون در موقعیتی نیست که بخواهد با همراهی صرف با سیاست‌های ترامپ، موقعیت خود و کشورش را بیش از این با خطر روبه‌رو کند. نخست‌وزیر بریتانیا در ابتدای کار خود و در شرایطی که هنوز بحران برگزیت حل نشده، ترجیح می‌دهد تا جایی که امکان دارد وارد تنش‌های تجاری با اتحادیه اروپا نشود. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که جانسون در نشست گروه هفت صرفا تأییدکننده سیاست‌ها و مواضع ترامپ باشد و انتظار می‌رود با احتیاط بیشتری دربرابر چالش‌های بین‌المللی موضع‌گیری کند. این احتیاط را در قبال توافق هسته‌ای با ایران شاهد بودیم. با وجود اصرار واشنگتن برای همراه‌کردن لندن در افزایش فشار بر تهران، دولت جانسون در آستانه نشست گروه هفت تأکید کرد که مانند آلمان و فرانسه، شرکای اروپایی خود، همچنان به برجام پایبند است و هیچ اقدامی در جهت تضعیف و تهدید این توافق انجام نمی‌دهد.

در این میان، موضوعات دیگری هم می‌تواند تنش میان واشنگتن و اتحادیه اروپا را افزایش دهد و تنش‌های تجاری چین و ایالات متحده یکی از مهم‌ترین آنهاست. با وجود اینکه رئیس‌جمهور چین در جمع رهبران هفت اقتصاد برتر جهان حضور ندارد، اما چالش تجاری واشنگتن و پکن تنها به این دو کشور محدود نمی‌شود و اثر منفی بر رشد اقتصادی جهان خواهد گذاشت. از سوی دیگر، با خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای با ایران و اعمال تحریم‌های نفتی و مالی علیه این کشور، تنش‌ها در خلیج‌فارس افزایش یافته و کشورهای اروپایی تلاش می‌کنند تا از طریق دیپلماسی و مذاکره، از آتش اختلاف‌ها میان تهران و واشنگتن بکاهند.

همزمانی نشست رهبران گروه هفت با آتش‌سوزی گسترده در جنگل‌های آمازون که یک‌پنجم اکسیژن کره‌زمین را تأمین می‌کند، باعث شد که رئیس‌جمهور فرانسه خواستار بررسی فوری این بحران در نشست گروه هفت شود. با این حال، بعید است نتیجه ملموسی در این زمینه حاصل شود، چراکه دونالد ترامپ تاکنون در ارتباط با دغدغه‌های زیست‌محیطی، هیچ‌گونه همراهی نشان نمی‌دهد. ناآرامی‌ها در کشمیر و هنگ‌کنگ هم از دیگر موضوعات مورد بحث در نشست گروه هفت در این سه روز خواهد بود.

موقعیت متزلزل

پرونده‌های متعدد در شرایطی روی میز مذاکره رهبران هفت قدرت برتر صنعتی جهان قرار دارد که هر کدام از این رهبران با چالش‌های فراوان و موقعیت‌های بغرنجی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. نخست‌وزیر ایتالیا در حالی عازم بیاریتز شده که درپی بالاگرفتن تنش سیاسی در رم، روز سه‌شنبه استعفای خود را تقدیم رئیس‌جمهور این کشور کرد و احتمال می‌رود به‌زودی در ایتالیا انتخابات زودهنگام برگزار شود. در روزهای اخیر متئو سالوینی، معاون وزیر کشور ایتالیا و یکی از اعضای تأثیرگذار دولت ائتلافی این کشور نیز درخواست برگزاری انتخابات زودهنگام را مطرح کرده است. در آلمان وضعیت آنگلا مرکل دیگر مانند سال‌های قبل نیست. او اعلام کرده در پایان سال ۲۰۲۱ از صدراعظمی کنار خواهد رفت و طبیعتا در این سال‌های پایانی صدارت مرکل، از نفوذ او در جهان کاسته خواهد شد.

بریتانیا هم در آستانه خروج از اتحادیه اروپا دیگر نفوذ چندانی در تحولات بین‌المللی ندارد و تنش‌های سیاسی بر سر برگزیت، وقت و انرژی رهبران سیاسی لندن را به خود اختصاص داده است. با وجود ورود چهره‌ای جدید به خانه شماره ۱۰ خیابان داونینگ استریت هنوز از بن‌بست سیاسی بر سر خروج از اتحادیه اروپا خارج نشده است. جانسون تأکید می‌کند که در ۳۱ اکتبر حتی بدون توافق با اتحادیه اروپا از این اتحادیه خارج خواهد شد. اما این موضع جانسون نه تنها باعث نگرانی در اتحادیه اروپا شده بلکه در داخل بریتانیا هم هم‌حزبی‌های جانسون در پارلمان بریتانیا تهدید کرده‌اند که تحت هیچ شرایطی خروج بدون توافق را نخواهند پذیرفت و این احتمال وجود دارد که با رأی عدم اعتماد به جانسون، انتخاباتی زودهنگام در این کشور برگزار شود یا دولت این کشور مجبور به برگزاری رفراندومی مجدد برای تعیین سرنوشت بریتانیا در اتحادیه اروپا شود. در آن سوی اقیانوس اطلس هم جاستین ترودو، نخست‌وزیر جوان کانادا، موقعیتی بی‌ثبات دارد و در آستانه انتخابات ماه اکتبر، ترودو و حزب لیبرال او در نظرسنجی‌ها شانس چندانی برای پیروزی در انتخابات ندارند.

توافق آمریکا-روسیه برای تضمین امنیت اسرائیل

حمایت بی‌چون‌وچرا از تل‌آویو

اسرائیل با استفاده از جنگنده‌های اف-۳۵ آمریکا، پایگاه‌های نظامی را در داخل سوریه و عراق هدف قرار می‌دهد و طبق توافق امضاشده میان آمریکا و روسیه، تل‌آویو اجباری برای اعلام رسمی حملات خود ندارد. حملاتی که به گزارش روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز در هفته گذشته شدت گرفته است و این حملات عمدتا پایگاه‌های نیروهای حشدالشعبی در عراق را هدف قرار می‌دهد؛ نیروهای شیعه نظامی که به ادعای مقام‌های غربی از سوی ایران پشتیبانی می‌شوند. بر اساس گزارش نیویورک‌تایمز، یک پایگاه در شمال بغداد به تازگی هدف حمله هوایی اسرائیل قرار گرفته و دو مقام آمریکایی که نامی از آنان ذکر نشده است، می‌گویند: اسرائیل در روزهای اخیر چندین حمله به مواضع حشدالشعبی در عراق انجام داده است.

روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی با اذعان به این مسئله که اسرائیل در حملات اخیر به پایگاه‌های نیروهای حشدالشعبی در عراق ایفاگر نقش اصلی است، می‌نویسد که اسرائیل در ادامه حملات خود به مواضع حشدالشعبی این‌بار به انبار سلاحی در بغداد حمله کرده است. به نوشته این روزنامه، بعد از نشست سه‌جانبه جان بولتون، نیکلای پاتروشف و مئیر بن‌شبات، رؤسای شورای امنیت آمریکا، روسیه و اسرائیل در اورشلیم، حملات ارتش این رژیم به داخل خاک عراق و سوریه افزایش یافته است چراکه طبق توافق صورت‌گرفته، تل‌آویو اجباری ندارد که این‌گونه حملات خود را به طور رسمی اعلام کند.در همین حال، روزنامه الشرق‌الاوسط چاپ لندن نیز با اشاره به این حملات می‌نویسد؛ هم‌زمان با اواسط سال کنونی روند فراهم‌شدن شرایط اجرای این تصمیم سیاسی آغاز شد. عمیکام نورکین، فرمانده نیروی هوایی اسرائیل ماه می گذشته اعلام کرد اسرائیل اولین طرفی است که از جنگنده‌های اف-۳۵ آمریکا در عملیات جنگی استفاده کرده است. این مسئله چند هفته بعد از حملات هوایی جنگنده‌های اسرائیلی به پایگاه‌هایی در داخل سوریه مطرح می‌شد که ادعا می‌شود متعلق به نیروهای هم‌پیمان ارتش سوریه هستند. او گفت: جنگنده‌های اف-۳۵ اسرائیل در سرتاسر خاورمیانه هستند و ما اولین کسانی هستیم که از آنها در جنگ استفاده می‌کنیم.این مسئله هم‌زمان شده بود با سفر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به روسیه برای دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری این کشور که با هدف ازبین‌بردن تنش به دنبال سرنگونی هواپیمای روسیه بر فراز دریای مدیترانه و ازسرگیری هماهنگی نظامی در سوریه انجام شد. اما گام مهم‌تر موافقت ولادیمیر پوتین با نشست سه‌جانبه در قدس غربی بود که با حضور رؤسای شورای امنیت آمریکا، روسیه و اسرائیل انجام شد. مقام‌های دیپلماتیک غربی اعلام کردند که این نشست نمادین و در راستای اجرای نتایج نشست‌های ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا برای اعطای اولویت به امنیت اسرائیل در سوریه و عراق با ادامه حضور روسیه و احتمال عقب‌نشینی آمریکا از منطقه بود. به گفته این منابع، واشنگتن چراغ سبز را در راستای سیاست فشار بر ایران بدون آسیب‌زدن به حضور کنونی آمریکا در عراق برای این مسئله نشان داد. در سایه این اقدام، حملات اسرائیل در سوریه به سطح جدیدی رسید و به عراق نیز منتقل شد. ۱۹ جولای اولین حمله اسرائیل در عراق بعد از حمله به رآکتور هسته‌ای این کشور در اوایل دهه ۸۰ قرن گذشته اتفاق افتاد، به گونه‌ای که گردان ۵۲ حشدالشعبی در پادگان خارج از شهرک آمرلی در استان صلاح‌الدین را هدف قرار داد. ۲۸ جولای حمله دوم اتفاق افتاد و این بار پادگان اشرف در استان دیالی را هدف قرار داد و این حمله به انهدام موشک‌اندازهای حشدالشعبی و همچنین تجهیزات موشک‌های بالستیک منجر شد.اما در شرایطی که اسرائیل سکوت کرده بود، برخی سایت‌ها از جمله «دبکا» (وب‌سایت اطلاعاتی نظامی اسرائیلی) مسائلی را در این باره فاش کردند و در نهایت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل سکوت را شکست و این ادعای ضمنی را مطرح کرد که اسرائیل پشت حملات هوایی اخیر به «پایگاه‌های ایران در عراق» بوده است. این در حالی است که آمریکا مدعی شده است که هیچ نقشی در این حملات ندارد.در همین حال، برخی از رسانه‌ها گزارش می‌دهند که یکی از موارد مورد توافق محدودکردن حضور نیروهای ایرانی در سوریه آن هم در زمانی است که صلح در سوریه به طور کامل اجرائی شده باشد. روزنامه المانیتور نیز در گزارشی می‌نویسد: موضع روسیه، آمریکا و اسرائیل بسیار نزدیک‌تر از بیانات عمومی آنان بعد از نشست بود. به نظر می‌رسد منافع آنان در مورد موضوع سوریه با هم‌پوشانی یا دست‌کم هماهنگی در بسیاری از موارد همراه بوده است. یک منبع ارشد اسرائیلی به المانیتور گفت: روس‌ها سریعا رنگ عوض می‌کنند و رنگ خود را مطابق با محیط اطراف خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته‌اند تغییر می‌دهند. اکنون آنان به فرمان رئیس‌جمهوری آمریکا برای لغو تحریم‌ها نیاز دارند؛ آنان به هماهنگی با اسرائیل نیز نیاز دارند تا مطمئن شوند ناآرامی بر سوریه حاکم نخواهد شد. توافق اصلی آنها اما بر سر یک موضوع بود و آن اینکه در روز پس از پایان جنگ سوریه هیچ نیروی خارجی در سوریه حضور نداشته باشد.

رویداد

هشدار عمران خان به جامعه بین‌المللی

● عمران‌خان، نخست‌وزیر پاکستان روز جمعه خطاب به جامعه بین‌المللی بار دیگر در مورد وقوع رخدادهایی که او آن را «احتمال بروز عملیات جعلی از سوی هند و متهم‌شناخته‌شدن پاکستان» خواند، هشدار داد.

آزادی رهبر اپوزیسیون روسیه

● سخنگوی الکسی ناوالنی، چهره برجسته مخالف کرملین، اعلام کرد این رهبر جناح مخالف، از زندان آزاد شده است. به گفته این سخنگو، آزادی ناوالنی پس از ۳۰ روز حبس صورت گرفته است.

تماس تلفنی مرکل با ولیعهد ابوظبی

● آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان در تماس تلفنی با محمد بن زاید آل نهیان، ولیعهد ابوظبی روابط دوجانبه و راه‌های حمایت از آن و نیز مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه دو طرف را مورد بررسی قرار داد.

آغاز نهمین دور از مذاکرات صلح

● گروه طالبان و یک مسئول آمریکایی اعلام کردند مسئولانی از ایالات متحده و طالبان مذاکرات صلح را در قطر از سر گرفتند. به گزارش ایسنا، به نقل از النشره، هدف از این مذاکرات دستیابی به توافقی است که به نیروهای آمریکایی امکان عقب‌نشینی از افغانستان را بدهد و در مقابل ضمانت‌های امنیتی از طالبان گرفته شود.

قطع اینترنت و افزایش بازداشت‌ها در اندونزی

● پس از آنکه معترضان در شرقی‌ترین استان اندونزی، ساختمان پارلمان محلی، بازار و زندانی را به آتش کشیدند، دولت اندونزی دسترسی به اینترنت در این استان را قطع کرده است. این خشونت‌های مردمی پس از آن شکل می‌گیرد که پلیس، جمعی از دانشجویان را که به «تبعیض قومیتی» معترض بودند، اخیرا بازداشت کرد.